

سایه جنگ بر بازار غیررسمی

حملات هوایی و خلوتی شهر، هزاران کارگر بی قرارداد را از بازار کار حذف کرد

زیبا، دختر جوانی از طبقه پایین تهران، ماه‌ها با پخت غذای خانگی و فروش آن از طریق اینستاگرام، روزگار خود و مادر بیمارش را می‌گذراند. صبح‌ها خورش و کنتل آماده می‌کرد، ظهرها بسته‌بندی و عصر هم با کمک پیک‌های اینترنتی سفارش‌ها را به خانه‌های مرکز شهر می‌فرستاد. اما روزی که آژیرها برای نخستین‌بار در آسمان تهران پیچید، همه چیز متوقف شد: اینترنت رفت، پیک‌ها ناپدید شدند و کسب‌وکار کوچک او در یک روز دود شد و به هوا رفت. زیبا تنها نیست. مردی به نام سهراب که سال‌ها با چرخ‌دستی در چهارراه ولی عصر فال و آدامس می‌فروخت، از نخستین شب بمباران دیگر دیده نشد. او ناپدید شد، نه به دلیل مرگ، که به دلیل نبود مشتری و خالی شدن شهر. جنگ برای این دو نفر، نه تعدیل بود؛ نه اخراج. شغل شان فقط... ناپدید شد.

حذف بی سروصدای مشاغل

در روزهایی که دولت از بازسازی سخن می‌گوید و رسانه‌ها از آرامش نسبی، بخش بزرگی از نیروی کار ایران همچنان زیر آوار بحران دفن شده است. کارگران روزمزد، زنان سرپرست خانوار، پیک‌های آنلاین، دست‌فروشان و تولیدکنندگان خانگی، نه حقوق معوقه دارند، نه بیمه بیکاری، نه نامه رسمی برای خاتمه همکاری. آنان فقط حذف شدند. پژوهشی از اندیشکده بروکینگز در ۲۰۱۹ هشدار داد که جنگ‌ها، اقتصاد غیررسمی را بیش از اقتصاد رسمی می‌بلعند، زیرا این اقتصاد نه پشتیبان قانونی دارد، نه شبکه حمایتی. حالا این هشدار در ایران تبدیل به واقعیت شده است. خاموش‌ترین کارگران، خاموش‌ترین قربانیانند.

ستون نامرئی اقتصاد ایران

طبق برآوردها، حدود ۶۰ درصد بازار کار ایران را نیروی کار غیررسمی تشکیل می‌دهد. این یعنی میلیون‌ها نفر در شغل‌هایی مشغولند که هیچ پشتوانه قانونی ندارند: دستفروشی، کارگری روزمزدی، خدمات خانگی، پیک موتوری، مشاغل خانگی و... آن‌ها در حاشیه ایستاده‌اند، اما ستون فقرات اقتصاد محسوب می‌شوند. بر اساس گزارش‌های اتاق بازرگانی تهران، حتی در بخش‌هایی چون صنعت و کشاورزی، بخش عمده‌ای از فعالیت‌ها با نیروی کار غیررسمی می‌چرخد؛ کارگاه‌هایی که حساب بانکی ندارند، مالیات نمی‌پردازند، قوانین کار را رعایت نمی‌کنند و در سایه‌ی اقتصاد رسمی نفس می‌کشند.

حمایت جهانی از نیروی کار

سازمان جهانی کار با تکیه بر توصیه‌نامه‌ها و تجربه‌های میدانی، تلاش می‌کند از کارگران درگیر جنگ با سیاست‌های عملی و انسانی حمایت کند

جنگ، بازار کار را نابود می‌کند؛ زیرساخت‌ها فرومی‌ریزند، بیکاری اوج می‌گیرد و حقوق کارگران—امنیت جانی، معیشتی و شرایط کاری مناسب—نقض می‌شود. سازمان جهانی کار (ILO)، نهاد تخصصی سازمان ملل، با انتشار راهنمایی‌ها و همکاری بین‌المللی، از کارگران در شرایط جنگی حمایت می‌کند. این سازمان، اگرچه مستقیماً بر مداخلات تمرکز ندارد، اما استانداردهایش در بحران‌ها معتبر است. حقوق بین‌الملل بشردوستانه (IHL)، به‌ویژه کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، نیز با تأکید بر حفاظت از غیرنظامیان، از جمله کارگران، مکمل این چارچوب است. اصول کلیدی ILO شامل حمایت از کارگران غیرنظامی، ممنوعیت کار اجباری، منع تبعیض در اشتغال و حمایت از کارگران مهاجر است. IHL نیز بر تمایز بین غیرنظامیان و نیروهای مسلح، حفاظت از محل‌های کار غیرنظامی و ممنوعیت بهره‌کشی نظامی از کارگران تأکید دارد.

چارچوب‌های حقوقی

سازمان جهانی کار با توصیه‌نامه‌های کلیدی، راهبردهایی برای حمایت از کارگران در جنگ ارائه داده است. توصیه‌نامه شماره ۷۱ (۱۹۴۴) بر بازسازی اشتغال، انتقال نیروهای مسلح به بازار کار و تأمین اجتماعی تمرکز دارد. توصیه‌نامه شماره ۲۰۵ (۲۰۱۷) نیز با عنوان «اشتغال و کار شایسته برای صلح و تاب‌آوری»، چارچوبی جامع برای پاسخ به بحران‌هاست. این سند کمک‌های فوری بشردوستانه را با بازسازی اقتصادی و توسعه بلندمدت پیوند می‌دهد. ILO همچنین ابزارهای عملی مانند «راهنمای تحلیل صلح و درگیری» (۲۰۲۱) و «کتابچه آموزشی اتحادیه‌ها در بحران‌ها» (۲۰۲۲) منتشر کرده تا اجرای این استانداردها را تسهیل کند. این چارچوب‌ها بر کرامت انسانی، منع استثمار، کار کودک و تبعیض و تقویت گفت‌وگوی اجتماعی برای صلح پایدار تأکید دارند.

اهداف اصلی در بحران

سازمان جهانی کار در جنگ‌ها سه هدف اصلی را دنبال می‌کند: - کرامت و عدالت: حفاظت از حقوق کارگران، جلوگیری از کار اجباری، کار کودک و تبعیض علیه گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان و مهاجران. - پیشگیری و ثبات: تقویت اشتغال شایسته و گفت‌وگوی اجتماعی برای

صدای بی‌پناهی در خیابان

در میدان تجریش، «مریم» که بساط فروش لوازم آشپزخانه دارد، می‌گوید: «دو هفته بازار سوت و کور بود، الانم کسی نمی‌خره. کرایه مغازه عقب افتاده.» در چهارراه جمهوری، «ناصر» که عروسک می‌فروشد، می‌گوید: «پلیس که بیاد، ما اولین قربانی هستیم. حتی اسمی نداریم که بشه ازمون دفاع کرد.» این روایت‌ها تصویر روشنی از شکنندگی درآمد غیررسمی به دست می‌دهد. نه قرارداد کاری ای در کار است، نه هیچ حمایتی؛ تنها چیزی که باقی مانده، اضطراب روزانه و آینده‌ای نامطمئن است. در پروژه‌های ساختمانی هم وضع بهتر از این نیست. حسن، کارگر روزمزد، می‌گوید: «کاری نیست. رسمی‌ها هنوز حقوق می‌گیرن، ولی ما اگه یه روز کار نکنیم، همون یه روز هم گرسنه‌ایم.» ترس، زن خانه‌داری که گاه‌به‌گاه در تولیدی پوشاک مشغول بود، روایت می‌کند: «کارگاه تعطیل شد، هیچ کس حتی نگفت خداحافظ. نه بیمه، نه حقوق.»

میراث جنگ‌های نابرابر

مطالعه‌ای در ۲۰۲۲ که اثرات ۴۰۰ جنگ از قرن نوزدهم تا کنون را بررسی کرده، نشان می‌دهد کشورهایی که جنگ

را باخته‌اند یا از ابتدا آغاز نبوده‌اند، افت درآمد سرانه بیشتری را تجربه کرده‌اند. حتی اگر رشد اقتصادی بازایی شود، سرمایه انسانی و فیزیکی از دست‌رفته برای دهه‌ها آسیب می‌بیند. در جنگ اخیر نیز زیرساخت‌های ارتباطی، مراکز مسکونی و محل‌های اشتغال هزاران نفر آسیب دید. این یعنی نه فقط افت درآمد لحظه‌ای، بلکه از دست رفتن مسیر معیشت آینده.

تله فقر و فرسودگی

قطع درآمدها تنها یک پیامد آنی ندارد؛ زنجیره‌ای از تبعات به دنبال می‌آورد: کوچک شدن سفره خانواده، ترک تحصیل کودکان، فروش دارایی‌های کوچک برای گذران زندگی، مهاجرت اجباری، تنش روانی، افسردگی، بی‌خوابی و... سیمیه توحیدلو، جامعه‌شناس اقتصادی، می‌گوید: «از دست رفتن زیرساخت‌ها فقط یک خسارت عینی نیست. این موضوع بودجه کشور را جابه‌جا می‌کند. منابعی که باید صرف تولید یا توسعه شود، حالا باید صرف بازسازی پل، بیمارستان یا خانه‌های ویران شود و این یعنی رکود، کندشدن رشد اقتصادی و عمق یافتن فقر.»

دولت و وظیفه بازسازی

پس از اعلام آتش بس، انجمن مدیریت کسب‌وکار ایران

بیانیه‌ای منتشر کرد و خواستار اقدام فوری دولت چهاردهم برای حمایت از کسب‌وکارهای آسیب‌دیده شد. در این بیانیه به مواردی مانند پرداخت سریع خسارت، تنفس مالیاتی و بانکی، ارائه تسهیلات ویژه به بنگاه‌های کوچک، حمایت از مشاغل استیجاری و بازسازی زیرساخت‌های ارتباطی اشاره شده است.

با این حال، هنوز هیچ گزارش رسمی از حجم دقیق خسارات یا برنامه جبرانی دولت منتشر نشده است. فعالان اقتصادی هشدار می‌دهند تعلل در این زمینه، می‌تواند هزاران کسب‌وکار کوچک را به تعطیلی بکشاند و نیروی کار غیررسمی را برای همیشه از چرخه اقتصاد حذف کند.

مسیر آینده چگونه خواهد بود؟

بازیابی اقتصاد غیررسمی، اگر بخواهد اتفاق افتد، نیازمند اقدامی فراتر از جبران خسارات است. باید سازوکارهایی طراحی شود که این نیروی کار آسیب‌دیده را وارد نظام حمایت رسمی کند: ثبت‌نام ساده‌تر، بیمه پایه، آموزش مهارت و دسترسی به اعتبارات خرد؛ در غیر این صورت، با هر بحران آینده، همان گروهی که همیشه حذف می‌شوند، بار دیگر قربانی خواهند شد و آنچه از آن‌ها باقی خواهد ماند، نه در آمارهای رسمی ثبت می‌شود، نه در خاطره جمعی.

کوچک و متوسط SME نیز به تاب‌آوری بازار کار کمک کرد. همکاری سه‌جانبه ILO «دولت‌ها، اتحادیه‌های کارگری، کارفرمایان» در برنامه ۲۰۲۵-۲۰۲۴، الگویی برای مداخله مؤثر در کاهش تنش‌های بازار کار به شمار می‌رود.

چالش‌های پیش رو

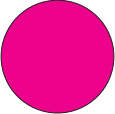
با وجود موفقیت‌ها، سازمان جهانی کار با موانعی مواجه است: - نقص چارچوب یکپارچه: کشورهای جنگ‌زده اغلب فاقد سیاست‌های هماهنگ برای اجرای توصیه‌های ILO هستند. - استانداردهای قدیمی: توصیه‌نامه‌های موجود نیاز به به‌روزرسانی دارند تا با چالش‌های مدرن همخوانی پیدا کنند. - ضعف همکاری بین‌المللی: نیاز به هماهنگی بیشتر با نهادهای جهانی و تقویت نظارت محلی احساس می‌شود. این چالش‌ها اجرای مؤثر استانداردها را در مناطق جنگی دشوار می‌کنند؛ به‌ویژه در کشورهایی با زیرساخت‌های ضعیف.

نمونه‌های جهانی و درس‌ها

در جنگ‌های سوریه، یمن و اوکراین، میلیون‌ها کارگر شغل خود را از دست دادند یا به مهاجرت اجباری کشیده شدند. در کرانه باختری، بهره‌کشی از کارگران محلی توسط نیروهای اشغالگر بارها گزارش شده است. این موارد نشان‌دهنده نیاز مبرم به حمایت از کارگران غیرنظامی است. ILO با ارائه کمک‌های فوری، آموزش و بازسازی، تلاش کرده این شکاف را پر کند، اما مقیاس بحران‌ها اغلب فراتر از منابع موجود است. سازمان جهانی کار با پشتوانه تاریخی خود، از توصیه‌نامه ۷۱ (۱۹۴۴) تا ۲۰۵ (۲۰۱۷)، چارچوبی منسجم برای حمایت از کارگران در جنگ ارائه داده است. تجربه اوکراین نشان‌دهنده موفقیت نسبی این رویکرد است، اما بهبود مستمر ضروری است. به‌روزرسانی استانداردها، تقویت همکاری با نهادهای بین‌المللی و تمرکز بر نظارت محلی می‌تواند اثر بخشی اقدامات را افزایش دهد. حفاظت از کرامت انسانی و حقوق کارگران، به‌ویژه در بازسازی دوران پسانجنگ، نیازمند تعهد جهانی است. ILO با ساختار سه‌جانبه و ابزارهای عملی، می‌تواند نقشی کلیدی در ساختن آینده‌ای پایدار برای کارگران جنگی ایفا کند.

یادداشت

O P I N I O N



حسین کاشمری

کارشناس اشتغال

اقتصاد غیررسمی؛ بی صدا و شکننده

میلیون‌ها کارگر در اقتصاد ایران در حاشیه‌ای خاموش و غیررسمی کار می‌کنند؛ بی‌قرارداد، بی‌بیمه، بی‌حمایت. آن‌ها در آمارهای رسمی جایی ندارند، در قانون کار اغلب نادیده گرفته شده‌اند و هنگام بروز بحران نیز نام‌شان از فهرست حمایت‌ها خط می‌خورد. دستفروشان، کارگران روزمزد ساختمانی، زنان شاغل در خدمات خانگی یا تولیدات خانگی و مشاغل خرد خیابانی، بخش عمده‌ای از این جمعیت را تشکیل می‌دهند. آنچه آنان را آسیب‌پذیرتر از دیگران می‌سازد، نه فقط شرایط دشوار کار، بلکه بی‌نامی در ساختارهای قانونی و آماری کشور است. نبود داده‌های دقیق، امکان سیاست‌گذاری مؤثر را سلب کرده و باعث شده در هر بحران، از کرونا گرفته تا تورم و جنگ، این کارگران پشت درهای بسته حمایت بمانند.

قانون کار، درهائش را به روی بسیاری از این کارگران بسته نگه داشته است. مشاغلی که فاقد قرارداد مکتوب، کارفرمای مشخص یا شرایط استاندارد کاری هستند، معمولاً از شمول قانون خارج می‌مانند؛ در نتیجه هیچ نظارت مشخصی بر وضعیت این کارگران وجود ندارد و راهی برای احقاق حقوق آن‌ها پیش‌بینی نشده است. هرچند تلاش‌هایی مانند گسترش بیمه خویش‌فرمایی صورت گرفته، اما واقعیت آن است که نه توان پرداخت حق بیمه برای بسیاری از این کارگران وجود دارد و نه ثبات شغلی لازم برای تداوم پرداخت‌ها. شرایط بی‌ثبات، روزمزدی و درآمدهای حداقلی، امکان دسترسی به پوشش بیمه‌ای پایدار را از این قشر سلب کرده است. در این میان، زنان بیش از مردان از تبعات این بی‌ساختاری و فقدان حمایت آسیب می‌بینند. آن‌ها در صناعی فعالیت می‌کنند که فاقد نظارت و ایمنی‌اند، دستمزدهای نابرابر دریافت می‌کنند و در صورت بارداری، بیماری یا حوادث شغلی، از هیچ نوع خدمات درمانی یا حمایتی برخوردار نیستند. تبعیض جنسیتی در بازار کار رسمی، نبود حمایت‌های قانونی کافی برای زنان سرپرست خانوار و نبود خدماتی مانند مهدکودک، سبب شده بسیاری از زنان ناچار به پذیرش مشاغل بی‌ثبات و بی‌حقوق در بخش غیررسمی شوند. در برابر این وضعیت، راه‌حل‌ها روشن است؛ اما اجرای آن‌ها نیازمند اراده و اصلاح ساختاری است. نخست، باید قانون کار به گونه‌ای بازتعریف شود که انواع جدید اشتغال از جمله مشاغل غیررسمی و خویش‌فرما را هم دربر گیرد. دوم، طراحی یک نظام حمایت اجتماعی فراگیر که مستقل از نوع قرارداد، پوشش بیمه‌ای پایه را برای همه شهروندان تضمین کند، ضروری است. سوم، نهادهای مسئول باید توانایی شناسایی و ثبت دقیق کارگران غیررسمی را به‌ویژه در میان گروه‌های آسیب‌پذیر افزایش دهند. در نهایت، ایجاد پایگاه داده‌ای جامع از وضعیت واقعی بازار کار، مقدمه‌ای است برای تصمیم‌گیری مبتنی بر واقعیت. نادیده گرفتن کارگران غیررسمی، به معنای نادیده گرفتن بخش بزرگی از ستون اقتصاد ایران است. تازمانی که قانون و سیاست به خیابان، خانه و حاشیه‌های بازار کار نگاه نکنند، عدالت اجتماعی فقط در متن قانون می‌ماند؛ نه در زندگی مردم.